

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۰/۲۶

وضو از دیدگاه فریقین: پاسخ از برداشت غلط از روایت "ویل للأعقاب ... " (۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة والسلام

على رسول الله و على آله آل الله لاسيما مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله؛

بحث ما در رابطه با حدیث «صحيح بخاری» بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ویل للأعقاب من النار»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، دار النشر : دار ابن كثير ،

اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ١ ص ٣٣، باب من رَفَعَ صَوْتَهُ

بِالْعِلْمِ، شماره ٦٠

و اینکه آیا این حدیث دلالت بر غَسَل و نهی از مسح می‌کند یا نه؟

عبارت صریح بعضی از بزرگان اهل سنت مثل «نووی» و «ابن حزم» را نقل کردیم که نهی و تهدید رسول اکرم (صلی الله

علیه و آله و سلم) بخاطر عدم تعمیم و عدم استیعاب و بخاطر اینکه صحابه تمام روی پای شان را مسح نکشیده بودند

است نه اینکه بخاطر نوع طهارت بوده باشد.

یکی دیگر از بزرگان شان «علاءالدین علی بن عثمان ترکمانی» است که متوفای ٧٥٠ است و از فقهای به نام احناف است

که از ایشان به «قاضی القضاة الامام العلامة الحافظ» تعبیر می‌کنند، در ذیل «طبقات الحفاظ» صفحه ١٢٥ نسبت به

استدلال برخی به این حدیث بر غسل و نهی از مسح می‌گوید:

«قلت في الاستدلال بها نظر. فان من يرى مسحهما قد يفرض في جميعهما و ظاهر الآية يدل على ذلك و هو قوله تعالى

وارجلکم إلى الكعبین فالوعید لهما ترتب»

آن کسانی که قائل به مسح هستند، معتقدند که در تمام روی پا و روی سر باید مسح کشیده شود و آیه شریفه

«وارجلکم إلى الكعبین» دلیل بر استیعاب است

«فالوعید لهما ترتب ترك تعمیم المسح»

حدیث «ویل للعقاب» یا «ویل للعراقیب» به خاطر این است که صحابه روی پای خودشان را کامل مسح نکشیده بودند

و بخشی از روی پای شان خشک مانده بود.

بعد ایشان می گوید:

«و تدل على ذلك رواية مسلم فانهى إليهم و اعقابهم تلوح لم يمسه الماء فتبين بذلك ان العقب محل التطهير فلا

يكتفى بما دونه فليس الوعيد على المسح بل على ترك التعميم كما مر»

ما به صحابه رسیدیم و دیدیم که روی بخشی از پای شان کاملاً روشن است و آب به آنجا نرسیده است. از اینجا روشن

می شود که «عقب پا» یا «عرقوب» پا محل تطهیر است و اگر کسی تعمیم بر روی پا نداشته باشد، کفایت نمی کند.

وعیدی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد بخاطر مسح نیست، بلکه بخاطر این است که صحابه تمام روی

پا را مسح نکشیده بودند.

« وهذا الكلام على امر ابى هريرة وعائشة باسباغ الوضوء و كذا حدیث عبد الله بن الحارث و عمر و انس رضی الله عنهم»

این روایت «ابوهریره» و «عائشه» است که وقتی پیغمبر دیدند بعضی از صحابه وضو می گیرند و تمام روی پای خود را

مسح نمی کنند، گفتند که وضو را کامل و تمام کنید. و همچنین روایات عبدالله بن حارث، عمر و انس.

الجوهرة النقية، اسم المؤلف: علاء الدين علي بن عثمان، الشهير بابن التركماني (المتوفى : ٧٥٠هـ)، ج ١، ص ٦٨-٦٩،

باب الدليل على ان فرض الرجلين الغسل و ان مسحهما لا يجزى

که در آن حدیث پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ویل للأعقاب من النار»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی ، دار النشر : دار ابن کثیر ،  
الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د. مصطفی دیب البغاج ، ۱ ص ۳۳ ، باب من رفَع صَوْنَهُ  
بِالْعِلْمِ، شماره ۶۰

آقای «ابن جریر طبری» متوفای ۳۱۰ هم در اینجا مطلب قابل توجهی دارد. او می گوید:

«و ما الدلیل علی أن المراد بالمسح فی الرجلین العموم دون أن یکون خصوصا نظیر قولک فی المسح بالرأس»

دلیل شما بر اینکه باید روی پا به صورت کامل کشیده شود، مثل اینکه تمام سر را مسح می کشیم، چیست؟

«قيل الدليل على ذلك تظاهر الأخبار عن رسول الله أنه قال ويل للأعقاب وبطون الأقدام من النار»

در جواب این مستشکل و سائل گفته شده است که دلیل بر این مطلب ظاهر اخبار پیامبر است که آن حضرت فرمود:

«وای بر اعقاب و باطن قدمها از آتش جنهم»

«و لو كان مسح بعض القدم مجزيا عن عمومها بذلك لما كان لها الويل بترك ما ترك مسح منها»

اگر مسح بعضی از پا مجزی بود و وضو صحیح بود و می شد با آن وضو نماز خواند، دلیلی نداشت پیامبر اکرم تهدید کند

و بگوید: «ویل للأعقاب من النار»

«فوجب الويل لعقب تارك غسل عقبه في وضوئه أوضح الدليل على وجوب فرض العموم بمسح جميع القدم بالماء

وصحة ما قلنا في ذلك وفساد ما خالفه »

این روایت «وجوب ویل» بهترین دلیل بر وجوب تعمیم مسح هم در پا و هم در سر است و صحت گفتار ما و بطلان نظر

مخالفین ما را ثابت می کند.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر ، دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٣١، ذيل آيه ٦ سورة مائده

طبري سپس حدود بيست روايت از نبي مكرم (صلى الله عليه و آله و سلم) نقل مي كند كه در آنجا تعبيرهاي مانند:

«ويل للأعقاب من النار» و «ويل للعراقيب من النار»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر ، دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٦، ص ١٣١، ذيل آيه ٦ سورة مائده

به كار رفته است.

«عراقيب» پشت قوزك پا هست.

«ويل للعراقيب من النار»

يعنى واى بر آن عراقيب و آن عصب پشت قوزك پا از آتش جهنم كه موقع وضو گرفتن آنجا را نمى شويند و بايد در آتش

جهنم بسوزد.

البته ما اينجا سؤال هم داريم؛ اگر كسى وضو مى گيرد، يك تكه از صورت خودش را نشويد، اين صورت بايد در آتش

جهنم بسوزد؟ يا اگر دستش را شست و يك قسمتى خشك ماند، «ويل للآيدى من النار» مى شود؟! يا اگر يك قسمتى

از سر مسح كشيده نشد، «ويل للرأس من النار» مى شود؟! صدور چنين تعابيري از نبي مكرم (صلى الله عليه و آله و

سلم) با اين معنايى كه آقايمان دارند، بعيد است. اگر بنا است كه وارد آتش بشود، كل بدن وارد آتش مى شود. اين نقص

مكلف است، وگرنه خود قوزك پا يا عرقوب پا و اعقاب پا، گناهی ندارند كه بخاطر اينكه مسح كشيده نشده اند به آتش

جهنم بسوزند. چنين تعابيري اصلاً با روح رواياتى كه از ائمه و نبي مكرم (عليهم السلام) رسيده است، همخوانى ندارد.

جز اينكه همانطوري كه عرض كردم «ويل للعراقيب من النار» به اين معنا باشد «واى بر آيندگان از آتش جهنم كه نماز

را سبک می‌شمارند و در غیر وقت خودش و با تأخیر از وقت می‌خوانند» مثل صحابه‌ای که نماز عصرشان به آخر وقت مانده بود.

ما خواستیم عبارت طبری را بیان کنیم که ایشان می‌گوید «ویل للاعقاب من النار» هیچ ارتباطی به مسح یا غسل ندارد، بلکه این کاری که کرده‌اند ناقص بوده، بخشی از پا را مسح کشیده بودند و بخش دیگر پا مسح کشیده نشده بود، بخاطر آن بوده است.

این طبری شیعه نبوده است. ما چهار نفر «طبری» داریم. «ابن جریر طبری» سنی که متوفای ۳۱۰ هجری است و صاحب تاریخ و تفسیر است. در اینکه ایشان سنی بوده، هیچ شکی نیست. البته یک کتاب مفصلی دارد در حدیث غدیر بنام «کتاب الولاية» که ذهبی می‌گوید من وقتی این کتاب ایشان را دیدم و سندهای متعددی که برای حدیث غدیر آورده را دیدم

« فاندھشت له و لکثرة تلك الطرق »

بخاطر آن کتاب و کثرت طرق حدیث وحشت زده شدم!

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۱۳، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت.

طبری را بخاطر بعضی از مسائل از جمله دفاع از حضرت علی و عدم ارادت به معاویه و عدم مدح او، در خانه خودش زندانی کرده بودند و آخر هم در خانه از دنیا رفت و در خانه اش هم دفن شد.

دومین «طبری» که معاصر مرحوم «کلینی» بوده صاحب «الامامة» است. «طبری» دیگر معاصر شیخ طوسی بوده که صاحب کتاب «المسترشد» است. همه این‌ها تقریباً در یک زمان بوده اند. کتاب «دلائل الامامة» از «طبری» شیعی است، «المسترشد» هم از طبری شیعی است که همه این‌ها در قرن چهارم و پنجم بوده‌اند و تقریباً هم عصر بوده‌اند. یک «طبری» هم در قرن هفتم هجری است که صاحب کتاب «ذخائر العقبی» است. متوفای ۶۹۴ و شیعه است.

ما چهار تا «طبری» داریم که از این چهار نفر، سه نفرشان شیعه هستند و یکی شان هم سنی است. خلاصه اینکه در سنی بودن «ابن جریر طبری» که صاحب کتاب تاریخ و تفسیر است، تشکیکی نشده است.

یکی از کسانی که در رابطه با این روایت خوب ایستاده و استدلال می‌کند که حدیث «ویل للاعقاب» ارتباطی به غسل پا ندارد، آقای «محمد رشید رضا» صاحب کتاب «تفسیر المنار» و ناشر فرهنگ وهابیت در شمال آفریقا و مصر است. او وقتی به این روایت «ویل للاعقاب من النار» می‌رسد، می‌گوید:

«فَلِقَائِيْنَ بِالْمَسْحِ أَنْ يَقُولُوا إِنَّ الصَّحَابَةَ كَانُوا يَمَسْحُونَ فَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْمَسْحَ كَانَ هُوَ الْمَعْرُوفَ عِنْدَهُمْ، وَإِنَّمَا أَنْكَرَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَيْهِمْ عَدَمَ مَسْحِ أَعْقَابِهِمْ»

قائلین به مسح ، می‌توانند به روایت صحیح بخاری که می‌گوید: صحابه مسح می‌کشیدند. استدلال کنند. این روایت که در صحیح بخاری آمده است، بهترین دلیل است که در میان صحابه آنچه معروف بوده، مسح پا در وضو بوده است و آن چیزی که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) انکار و تهدید کرده ، این است که آنها پشت پا و منتها الیه پای شان را مسح نمی‌کشیدند.

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، المؤلف: محمد رشید بن علی رضا (المتوفى: ۱۳۵۴هـ) الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰ م، ج ۶، ص ۱۸۹، ذیل آیه شریفه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا...

وقتی که پیامبر می‌فرماید:

«ویل للاعقاب من النار»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی ، دار النشر : دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د. مصطفى ديب البغاج، ۱ ص ۳۳، باب من رَفَعَ صَوْتَهُ

بِالْعِلْمِ، شماره ۶۰

یعنی مسح شما ناقص است. نفرمود «ویل للماسحین ارجلهم من النار» یا «ویل للتارکین غسل ارجلهم من النار»، اصلاً بحث غسل و مسح نیست، همین کاری که می‌کردند، نبی مکرم تقریر کرده است و اشکال کرده است که این کار شما ناقص است. چرا ناقص است؟ چون شما بخشی از پای تان را مسح کشیدید و بخش دیگر را مسح نکشیدید.

اهل سنت کل سر را مسح می‌کشند و اگر پا را می‌شویند، حتی پشت قوزک‌ها را هم می‌شویند، حتی بین انگشتان، پشت پا و بالای پاشنه پا را هم می‌شویند.

روایات دیگری هم در این زمینه هست ولی هدف اصلی ما این است که اثبات کنیم روایت «ویل للاعقاب من النار» در کتاب بخاری، یکی از بهترین دلایل ما در رابطه با وجوب مسح است و توجیهاتی که برای وجوب غسل در این روایات کرده‌اند، قانع‌کننده نیست، بلکه حتی بزرگان اهل سنت با ما هم رأی هستند که این حدیث «ویل للاعقاب من النار» دلالت بر مسح دارد و دلالتی بر غسل ندارد.

به فرض اینکه اگر دو روایت صحیح هم در یک جا بود، حداقل قدر متیقن که انسان بخواهد عمل بکند، نظر «ابن جریر طبری» است که قائل به تخییر است. هم غسل پا مجزی است و هم مسح پا مجزی است. ولی این آقایان را شما می‌بینید که در نماز جمعه‌ها، شبکه‌ها و سایت‌های شان می‌گویند که ما پشت سر شیعه نماز خواندن را باطل می‌دانیم، چرا؟ چون وضوی شان باطل است. چرا وضوی شان باطل است؟ چون در موقع وضو گرفتن پایشان را مسح می‌کشند! ما می‌خواهیم ثابت کنیم که این حرف آقایان نه مطابق با کتاب است، نه مطابق با سنت است، نه مطابق با سیره نبی مکرم است، نه مطابق با سیره امیر المؤمنین (علیه السلام) است، نه طبق یک روایت مطابق با سیره عثمان است و نه مطابق سیره عملی «ابن عباس»، «قتاده» و «شعبی» است که همه این‌ها نسبت به قضیه مسح پا حساسیت داشتند و پاهایشان را هم موقع وضو گرفتن مسح می‌کشیدند.

یا باید آقایان بگویند وضوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که طبق ده‌ها روایت، مسح می‌کشیدند، باطل بوده است یا اینکه وضوی امیر المؤمنین (علیه السلام) باطل بوده، یا ابن عباس شریعت را نفهمیده است، «قتاده» و «شعبی» سنت پیامبر را نفهمیده بودند، این یک مقدار مشکل‌ساز است و گرنه ما باشیم و انصاف را رعایت کنیم، روایات دال بر مسح بر روایات دال بر غسل کاملاً حاکم و محکم است. چون «ارجلکم» خواندن یا «ارجلکم» خواندن، حداقل قدر

متیقن این است که اگر ما به مسح پا معتقد باشیم به مضمون آیه عمل کرده ایم. اگر «ارجلکم» که قطعاً مسح است و اگر «ارجلکم» بخوانیم، باز محتمل المسح است، چون «ارجلکم» عطف بر محل «رؤوسکم» است. حالا شما که غسل کردید، اولاً با این دو قاعده ادبی مخالفت کردید و مخالف ادبیات عرب «ارجلکم» را عطف بر «وجوهکم» کردید که بزرگان شما هم گفته‌اند نادرست است، چون بین معطوف و معطوف علیه حتی کلمه نباید فاصله بشود، تا چه رسد که یک جمله فاصله باشد. حداقلش این است که احتمال بطلان است و «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»؛ یعنی قول به غسل حداقل محتمل البطلان است و قول به مسح قدر متیقن است، با این توجیهی که ما از مفسران به نام اهل سنت و صحابه آوردیم.

آقای «ابن حجر عسقلانی» در «فتح الباری» مطلبی را نقل می‌کند. دور از مقام علمی او نزد اهل سنت است که از روی تعصب فتوایی صادر کند. ایشان همین روایت «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ» را می‌آورد و می‌گوید:

«وهذا ظاهر الرواية المتفق عليها وفي افراد مسلم فانتهينا إليهم واعقابهم بيض تلوح لم يمسه الماء فتمسك بهذا من يقول بأجزاء المسح»

آن کسانی که می‌گویند مسح کفایت می‌کند، به این روایت استناد کرده اند.

«و بحمل الإنكار على ترك التعميم»

ابن حجر روایت «ویل للاعقاب» را هم بر ترک تعمیم و ترک استیعاب حمل می‌کند، بعد می‌گوید:

«لكن الرواية المتفق عليها أرحح فتحمل هذه الرواية عليها بالتأويل»

روایت متفق عليها ارحح است و روایت دال بر مسح تأویل می‌شود.

حالا مراد ابن حجر از این روایت «متفق عليها» چیست؟! باید یک مقداری دقت کرد که آیا این همه روایاتی که ما در رابطه با مسح نبی مکرم، مسح امیرالمؤمنین و مسح صحابه و تابعین خواندیم، آیا این‌ها «غیر متفق عليها» بود؟! بعد ایشان می‌گوید که اگر این روایت بر مسح هم دلالت کند، باید به نحوی تأویل کنیم!



آقای ابن حجر! تأویل کردن که دست شما نیست! تأویل کردن باید با یک قرینه، شاهد یا گفتار یا سیره نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. بلکه سیره نبی مکرم خلاف این است.

ابن حجر می‌گوید:

«فيحتمل أن يكون معنى قوله لم يمسها الماء أي ماء الغسل جمعا بين الروایتين»

ما ناگزیریم که «لم يمسها الماء» را بگوییم که منظور «لم يمسها ماء الغسل» است بخاطر اینکه بین دو روایت جمع کنیم!

فتح الباری شرح صحیح البخاری ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب، ج ۱، ص ۲۶۶ - ۲۶۵، شماره ۱۶۱

ما از آقای «ابن حجر عسقلانی» سؤال می‌کنیم آیا در اینجا که می‌گوید «کنا نمسح علی ارجلنا» آیا وجهی برای این تأویل وجود دارد؟ تأویل در جایی است که ظهوری در کار نباشد. نه تنها ظهور در روایت است، بلکه نص روایت است. شما چگونه می‌توانید یک نص روایت را تأویل کنید. بله اگر یک روایتی باشد که «ذو احتمالین» باشد یا حداقل در دو مسأله ظهور داشته باشد، بحث تأویل جا دارد، اما در اینجا نه تنها ذو احتمالین نیست، نه تنها ظهور در دو موضوع ندارد، بلکه نص صریح روایت است که می‌گوید:

«فجعلنا نمسح علی أرجلنا»

همه ما صحابه به پاهایمان مسح می‌کشیدیم

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ج ۱ ص ۳۳، باب من رَفَع صَوْتَهُ بِالْعِلْمِ، شماره ۶۰

لذا در اینجا آقای «ابن حجر عسقلانی» حداقل کم لطفی کرده و خواسته است یک حرفی برای وضوی غسلی بزند.

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته